

# مردم

پایان مرکزی غرب توده ایران  
سال هفتم، سال اول، شماره ۱۳۷  
۱۳۵۸هـ ق/ ۱۳۵۸-۱۳۵۹ شم/ شماره ۱۰ ریزال

# همه باهم در جبهه نبرد

## علیه امپریالیسم امریکا بخاطر تامین پیروزی انقلاب!

ابتدا چند نکته که باید به آنها توجه کرد: آیا مرکز نیروی دریایی امریکادر آبهای نزدیک خلیج فارس، تهدید نظامی امریکا علیه انقلاب ایران، قبل از بروی کار آمدن حکومت جدید افغانستان و کمک نظامی اتحاد شوروی به انقلاب افغانستان انجام گرفته و یا بعد از آن؟  
اگر درست است که امریکا

قبل و نه بعد از این حوادث در افغانستان، به تجمع نیروی مسلح در نزدیک مرزهای جنوبی ایران پرداخته و انقلاب ایران را تهدید به تجاوز نظامی کرده است، پس این دعوی که گویا امریکا بدلیل وقوع حوادث اخیر افغانستان، به آرایش قوای نظامی در منطقه علیه ایران پرداخته دروغ است. امریکا قسط افغانستان را برای توجیه تهدید نظامی خود علیه انقلاب ایران بهانه قرار داده

است. امریکا بدون این بهانه نیز به بهانه های دیگری از جمله بهانه وگروگانگیری دیپلمات های امریکائی و اگر میخواست برای شکستن انقلاب ایران به تهاجم نظامی متوسل میشد.  
نکته دوم این است که اکثریت نزدیک بافغان دولتها، سازمانها و شخصیهای خارجی که حکومت افغانستان دفاع میکنند، حتی یک کشور و یا یک سازمان اجتماعی در مورد حمله فراداده اند، همان

دولتها، سازمانها و شخصیهائی هستند که موافق خصمانه نسبت به انقلاب ایران اتخاذ کرده اند و عبارتند از: امریکا، چین، سازمان ناتو، شخصیهائی، از نوع انورالسادات و قاپوونی و یگین و نظائر آنها. بمبارت دیگر سدائی که از خارج علیه حکومت بزرگ کارمل در افغانستان فسان بر آورده، همان سدائی است که انقلاب ایران را محکوم یا تحقیر میکند.  
نکته سوم این است که، در بین کشورهای و نیروهائی که از حکومت جدید افغانستان، از انقلاب افغانستان دفاع میکنند، حتی یک کشور و یا یک سازمان اجتماعی

# گروهی از هواداران سابق چریکهای فدائی خلق در بابل به حزب توده ایران پیوستند

نامه گروهی از هواداران سابق سازمان چریکهای فدائی خلق در بابل به کمیته مرکزی حزب توده ایران ص ۵

# تحریریات ضد انقلاب در تبریز ادامه دارد

## چماقداران حزب خلق مسلمان بطرفداری از شاه مخلوع شعار میدادند

بدنبال حوادث پیروز تبریز، دیروز عده ای از هواداران حزب جمهوری خلق مسلمان که به قهقه و جاقو و جیاق مسلح بودند، با شماره بازار باید ببنده، در محوطه بازار، دست به تحریک و حادثه آفرینی زدند. ایشان در بازارچه به هر مکانی که عکس امام خمینی را بردنوار نصب کرده بود، حمله و تخریب و عکس را پاره میکردند. گروه دیگری از ایشان در ساعت ۱۲:۳۰ در جلو میدان دانشسرا، راه را با اتوموبیلها بسته و در پیشان شماره ۱۳۵۴ (آیت الله مدنی، نماینده امام خمینی در تبریز) را می نوشتند. این عمل در خیابانهای دیگر نیز تکرار شد.



● صحنه ای از تظاهرات عظیم و فرور آفریننده ای، مقابل جاسوسخانه امریکا، تهران. ● زنان با کودکان خویش در آشوب آمده بودند تا از امام، رهبر انقلاب و از خط او دفاع کنند.

## «دانشجویان مسلمان پیر و خط امام» توطئه امریکارا در قم و تبریز محکوم کردند

روز شنبه در قم آنی مردم تهران در جلوی جاسوسخانه امریکا برای محکوم ساختن توطئه های جدید امریکا در قم و تبریز، قطعنامه زیرین توسط دانشجویان مسلمان پیر و خط امام، برای حاضران خوانده شد.

- ۱- ملت بیدار و دلبر ایران پیروزی کامل انقلاب اسلامی را خط امام و پیروی بلا متنازع از امام خمینی میداند و ایستادگی را تا سرحد شهادت ادامه خواهد داد.
- ۲- حضار قم پیروزی انقلاب روز شنبه در قم آنی مردم تهران در جلوی جاسوسخانه امریکا برای محکوم ساختن توطئه های جدید امریکا در قم و تبریز، قطعنامه زیرین توسط دانشجویان مسلمان پیر و خط امام، برای حاضران خوانده شد.

## حجت الاسلام موسوی خوئینی: دشمن شماره یک ایران و همه خلقهای جهان امریکاست

حزب جمهوری خلق مسلمان از آغاز تکوین یک حزب ضد اسلامی، ضد خلقی و متشکل از سرسپردگان عناصر شاهنشاهی بود.  
توطئه گران امروز همان کسانی هستند که در تمام طول عمر حتی برای یک لحظه با سلطنت محمد رضا خان مخالفتی نداشتند.

تمامی طول عمر حتی برای یک لحظه با سلطنت محمد رضا خان مخالفتی نداشتند. ملت ایران میداند امروز همان کسانی توطئه میکنند که تا دیروز موافق با قانون اساسی شاهنشاهی بودند. ملت ایران میداند که توطئه گران همان کسانی هستند که قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران را به رسمیت نمیشناسند و به آن رأی مثبت نداده اند. ملت ایران تمامی خواسته های پنهانی توطئه گران را می شناسد.  
از ویژگی انقلاب اسلامی این است که بهشتان این انقلاب، تمامی ملت ایران هستند.  
بقیه در صفحه ۲

یکی از اهالی شهرمی گفت: ناراحتیم اینست که اینها همان شکاری را میداند که ساواک در ۲۹ بهمن سال ۵۶، در تبریز میداد (روز قیام مردم تبریز)، (عصامه دن تاج اولاد) خمینی دن شاه اولاد (عصامه تاج نمیشود، خمینی شاه نمیشود)  
عده ای از افراد حزب جمهوری خلق مسلمان می گفتند: «هر کس که یاری می دهد از اعلام، نکند، باید منحل شود.»  
اختیار رسیده حاکی از آنست که حزب نامبرده به افرادی دستور داده که باید حمله وسیعی را تدارک ببینند تا شهر را در دست بگیرند. در مقابل دفتر حزب خلق مسلمان، سکر بندی شده و افراد مسلح، پشت سکر قرار دارند. یک بلندگو در جلو این دفتر به تبلیغات مشغول است. آنان غیر مستقیم به رهبر انقلاب توهین کرده و در فواصل منظم شماره ۱۳۵۴ بر موسیقی غمناک، (حجت الاسلام موسوی، رئیس دادگاه انقلاب تبریز و آقای غروی استاندار آذربایجان شرقی هستند) میدادند.

جالب توجه آنکه زیر پروراز پشت همین بلندگو، گفته میشد: دولت روغن و دیگر ما محتاج زنده گیمان راه به فلسطین و شوروی صادر میکند و ما اکنون بدون ما محتاج هستیم!  
شهادت انقلاب علاوه بر تویحسانه خود، یعنی مقدس نمایان، نیروهای ذخیره ای نظیر مدعیان آزادی وابسته به سازشکاران را به میدان آورده است. مثلا اعلامیه ای به امضای «جبهه اتحاد ملی ایران» (که گویا متعلق به «حزب ایران» است)، در میان مردم پخش شد. اعلامیه فوق با توسل به دروغ و تحریک میکشید مردم را به درگیری بکشاند. در اعلامیه گفته شده است که: «آیت الله شریعتمداری در محاصره مأمورین حکومت ارتجاع قرار گرفته و کسی را یاری آبی نیست که به حضرتشان راه یابد و حقایق را به سنج ایشان برساند.»  
و نیز «اینک که مملکت و ملت در چنگال توده ای های کمونیست بی وطن گرفتار آمده دولت و حکومت فریفته قدرت کاذب اوشده... در چار دیواری خانه نشستن و مهر سکوت بر لب زدن و بی تفاوتی به این تحولات تکریرستن، روح سرکش ملون وطن پرست را از شاه نمی کند.»  
این «ملیون وطن پرست»، کیستند؟ چماق بدستان، ساواکها، طرفداران وابستگی به امپریالیسم، مقدس نماها که از نسا آگاهی و نصیحت عده ای سواستفاده می کنند.

## چرا از شرکت خبرنگار «مردم» در کنفرانس جنبشهای آزادیبخش جلوگیری می کنند؟

از روز ۱۵ دیماه، کنفرانس جنبشهای آزادیبخش در تهران افتتاح گردید. «مردم» نیز که هوادار مدافع نیروهای شاه امپریالیست جهان و بیاتگر آرمانهای آزادی بخش و خلق آنها بوده است، خبرنگار خود را به این اجلاس فرستاد. ولسی متاسفانه شورای مرکزی این مراسم از ورود و شرکت خبرنگار «مردم» در این مراسم به بهانه های غیر منطقی مناعت نمود در حالیکه در همین مراسم بسیاری از خبرنگاران غربی (که در تحریف واقیعت انقلاب ایران مهارت خاصی دارند)، چون اشمیکل و چندین خبرنگار گارد ژانگاری تلویزیونی امریکا، شرکت جستند.  
این برخورد غیر دوستانه و غیر متصفانه دیروز نیز ادامه یافت.  
ما با اظهار نهایت تاسف و تمجیب از برخورد تبعیض آمیز شورای مرکزی مراسم، خواستار لغو این محدودیت های ناروا در مورد «مردم» هستیم.  
بقیه در صفحه ۲

## درباره افغانستان

● کمونیست سوریه قاطعانه از انقلاب افغانستان دفاع میکند  
● کمونیست بنگلادش: اتحاد شوروی طبق اصل سوسیالیسم پروتزی از انقلاب افغانستان حمایت میکند  
● کمونیست بنگلادش یادآور شده که اتحاد شوروی نشان دهنده برای استقلال و آزادی ملی کشورها در صف مقدم کمونیست بنگلادش تاکید کرد که امپریالیسم شوروی علیه انقلاب افغانستان دست به تخریب می زند اتحاد شوروی برای پایان دادن به این توطئه های بیشترانه

● کمونیست بنگلادش: اتحاد شوروی طبق اصل سوسیالیسم پروتزی از انقلاب افغانستان حمایت میکند  
● کمونیست بنگلادش یادآور شده که اتحاد شوروی نشان دهنده برای استقلال و آزادی ملی کشورها در صف مقدم کمونیست بنگلادش تاکید کرد که امپریالیسم شوروی علیه انقلاب افغانستان دست به تخریب می زند اتحاد شوروی برای پایان دادن به این توطئه های بیشترانه

## خبری بدون تفسیر درباره افغانستان

● اخبار کولی را که خصما می شناسید. او رئیس سابق کمیته امنیه است. زوال ابراهام نیر رئیس اداره جاسوسی امریکا بوده است. کولی و گراهام گفته اند که امریکا باید از افغانستان، دولت افغانستان را افزایش دهد و برای کولی است.  
● اخبار در مسامحه تلویزیونی خود گفت: امریکا ارسال کرد که در اختیار جناب شاه الملک قرار گیرد.  
● اخبار در خبری رهبری تلوی برای تشکیل اجلاس شورای عالی دفاع مسئله افغانستان را در دست دارند.  
● اخبار اعلام شد که چین عده ای «مارکسیست» در هندوستان خائن است که خبرگز اریه ای فریب میخوانند و با پولها در مارکسیست جا میزنند) در داخل خاک خود خبری در حنگ به افغانستان گسیل دادند.

## تعمیم شایان تحسین، یک اقدام شایسته نصر انقلابی ما

● خبری که از سوی خانواده افسران شهید ابراهام نیر و هفتاد نفر از درجه داران و افسران و در سالهای ۱۳۲۲ تا ۱۳۲۵ طی قیام و شورش دموکراتیک خلق آذربایجان و همچنین افسرانی که بدنبال کودتای ۲۲ مرداد ۳۲ در سالهای ۱۳۳۳ تا ۱۳۳۹ در سالهای ۱۳۳۳ تا ۱۳۳۹ در تبریز، تهران بدست دشمنان سرسپرده امپریالیسم در گران گردیده اند، در پرتو امپریالیسم و دیکتاتیک خلقهای ایران می باشد. این خمینی بنیان شهید شناخته شده آن از آزادی لایحه قانونی رفع تبعیض سیاسی مصوب ۱۳۵۸ و ۱۳۵۹ در کمیته مرکزی ایران بهره مند خواهند شد.

# ایمان، خط ضد امام و نیست و خلق، انقلاب در گمراهه است



# اخبار دهقانی

## سازمان آب دزفول بحای آنکه آب رایگان در اختیار دهقانان قرار دهد، حتی بهای آنرا بالا برده است!

دز زبانی که شرکت‌های به اصطلاح «سپاسی زراعی» تشکیل داده‌اند، زمینهای تصدای از روستاهای آباد دزفول - قش اسلان آباد، جیبان، بالاغمید، جویله‌دار، آخند آباد و چند ده دیگر را به نام «سپاسی زراعی دهقانان» که دارای سند مالکیت هم بودند، به نام «سپاسی زراعی دهقانان» واگذار کرده و شرکت سپاسی زراعی تشکیل دادند. این شرکت زمینهای نامرغوب، که جزء محدوده شرکت سالانه هر هکتار ده هزار ریال اجاره دادند. شرکت به صاحب سهم پونصد حدود ۱۲۰۰ ریال در سال، به ازای هر هکتار زمین، بابت مسود سپاسی می‌داد. همکاری دهقانان بسود شرکت بود، ولی آنفوق شرکت طاغوت‌زده بلای جان آنها

دهقانان که از آن وضع ناراضی و ناراحت بودند پس از آنکه در خردادماه امسال، زمینهای شرکت را، به نام «سپاسی زراعی دهقانان» واگذار کردند، زمینهای خود را زیر کشت و زمینهای نامرغوب و زستانه بردند. اما بعدا موسسه شبکه آبیاری برای دهقانان دزفول ایجاد کرد. ابتدا به ازای هر هکتار زمین ده هزار ریال سفته گرفتند. این کار دهقانان را خوار و خوار داشت. سازمان آب دزفول به جای جبران کار خود، در پی آن بود که زمینهای دهقانان را به بهانه ندادن پول اجاره برای اجراض بشیر اماند. هشت روز در شهر دنبال زمینهای دهقانان را می‌گردیدند. مقامات که در آن وقت در دزفول تصدیق می‌کردند، با سوء استفاده از نفوذ و برپاشی دهقانان، در منطقه‌ای که آب فراوان است، زمینهای دهقانان را به بهانه نداشتن پول اجاره، از دزفول بیرون بردند. دهقانان با همکاری و همکاری دهقانان و مقامات سازمان آب دزفول و با همکاری دهقانان، در آن وقت در دزفول تصدیق می‌کردند. دهقانان می‌گویند: برای هر هکتار زمین یکبارگی ۱۰۰۰ ریال و برای شالیکاری ۲۰۰۰ ریال می‌خواهند، ۲۳۰۰ ریال می‌گرفتند.

گزارش پول آب مایه فکری دهقانان است. دهقانان می‌گویند: آیا نتیجه انقلاب باید بسود دهقانان باشد یا به زیان آنها؟ اگر زمینهای دهقانان را به زیان دهقانان و ناراضی بشوند؟ آیا زمینهای دهقانان را به زیان دهقانان و ناراضی بشوند؟ آیا زمینهای دهقانان را به زیان دهقانان و ناراضی بشوند؟

## دهقانان «کوار» ۷۰ هکتار زمین دیم با عجله شخم زدن و کاشتن، ولی زمینهای آبی مالک فراری...!

دهقانان «کوار» ۷۰ هکتار زمین دیم را به عجله شخم زدن و کاشتن، ولی زمینهای آبی مالک فراری...! دهقانان دزفول در پی آن بودند که زمینهای خود را به زیان دهقانان و ناراضی بشوند. دهقانان می‌گویند: زمینهای دهقانان را به زیان دهقانان و ناراضی بشوند. دهقانان می‌گویند: زمینهای دهقانان را به زیان دهقانان و ناراضی بشوند.

## اداره «تعاون و امور روستاهای استان گومسار» به حق کشیهای طاغوتی ادامه میدهد؟

اداره «تعاون و امور روستاهای استان گومسار» به حق کشیهای طاغوتی ادامه میدهد؟ اداره «تعاون و امور روستاهای استان گومسار» به حق کشیهای طاغوتی ادامه میدهد. اداره «تعاون و امور روستاهای استان گومسار» به حق کشیهای طاغوتی ادامه میدهد.

# حزب توده ایران از یک بر نامه جامع بنیادی اصلاحات ارضی بسود دهقانان بی زمین و کم زمین مصممانه پشتیبانی میکند



رفیق عبدالحمید آگاهی، عضو مشاور کمیته مرکزی حزب توده ایران در مراسم بزرگداشت ۳۳ افسر شهید در تبریز، سخن می‌گوید

## مراسم بزرگداشت ۳۳ افسر شهید در تبریز

مراسم بزرگداشت ۳۳ افسر شهید فرقه دمکرات آذربایجان - سازمان حزب توده ایران در روز سیزدهم دیماه ۱۳۳۵ بسدست سرسپردگان امپریالیسم انجام شدند، در تبریز برگزار شد. این مراسم در سالن دانشکده کشاورزی تبریز، به دعوت فرقه دمکرات آذربایجان - سازمان حزب توده ایران در آذربایجان (کمیته تبریز) برگزار شد. سالن سخنرانی با عکس شهید: سرهنگ عظیمی، ستوان اریشتاش، ستوان دیرتیرا، سروان جودت، ستوان نظیری، فریدون ابراهیمی و... تزیین شده بود. صدای شهید از اصوات تاریخ بگوش می‌آمد: سرهنگ عظیمی در لحظه اعدام به دشمن گفت: «با مرگ من حاکمیت متزلزل شما محکم نمیشود». سروان جودت در لحظه اعدام گفت: «من یک سرباز فرقه هستم. آرزوی مبارزه در راه آزادی و جنگیدن در مقابل دشمنان است». جمعیت کثیری هنگام آغاز مراسم گمراه آمیز بودند و بر فراز سرشان این پلاکاردها دیده میشد: - برقراری جبهه متحد خلق - برای مقابله با تجاوزهای نظامی امپریالیسم آمریکا اضر باره آماده شویم. ۴۱ آذر شهید لرئیس خاطره سی آغاز امین در آغاز مراسم سرود حزب نواخته شد و آنگاه رفیق سعید مهر اقدم، یکی از مسئولین فرقه دمکرات آذربایجان گفت: «در نتیجه نهضت ۲۱ آذر، در عرض یک سال کارهای زیادی در آذربایجان انجام گرفت. بنای

همین دانشکده (تبریز) رامیتوان به عنوان یک نمونه ذکر کرد. رفیق آنگاه برای ۳۳ افسر شهید یک دقیقه سکوت اعلام کرد و آنگاه رفیق عون‌اللهی سخن راند. او از جمله گفت: «خداوند آذر - دی ۱۳۲۵ یک صفحه خونین از تاریخ مبارزات خلق آذربایجان است، که در این حادثه ۲۰ هزار نفر از آزادیخواهان کشته، ۱۰ هزار نفر تبعید و اعدام شدند. جنایات هیتلر دگر بار توسط شاه مظلوم در کشور ما تکرار شد. آری هر روز هزاران جوان به چوبه اعدام سپرده شدند، مادران گریبان در سوگ عزیزان نشستند و عروسان بسی - شوهر، بچه‌های بی‌پدر، خواهران بی‌پدر ماندند. کشتار ادامه داشت. دهه اول نوبت به افسران آزادیخواه رسید. ۳۳ افسری که آرزویشان داشتن ایرانی مستقل، آزاد و خوشبخت، بدون شاه و بدون دیکتاتوری بود، رسید. اینان نیز چون دیگران سرود - خانان به پای چوبه اعدام رفتند، هر چند نام بسیاری از این شهیدان بر ما معلوم نیست، لکن خاطرشان همیشه برایمان عزیز است، ناشان در صفحه زرین تاریخ کشورمان جاودان است».

آنگاه رفیق عبدالحمید آگاهی، عضو مشاور کمیته مرکزی حزب توده ایران، سخن گفت. او در قسمتی از سخنان خود گفت: سالکشت شهادت افسران و درجه‌داران قهرمانی که در مبارزه علیه استبداد و استعمار جان خود را نثار کردند، در روزهای بی‌گزار میکشیم که خلق آذربایجان به همراه دیگر خلقهای ایران مشغول تدارک شایسته‌نخستین سالروز انقلاب شکوهمندیست که با فداکاری بی‌ظنیر همه مردم ما برپایه امام خمینی پیروز شد. و این تصادفی

افسران قهرمانیکه سالکشت شهادتشان را بر گزار میکنند در این مبارزه پرافتخار ما، در عمل انقلابی و سازنده روزانه‌ها، در نیت خیر، کردار نیک و آرزوهای مقدس ما زنده و جاویدند. بعد از سخنان رفیق آگاهی، قطعه شعری از سهراب طاهر، شاعر خلقی آذربایجان، قرائت شد. بعد از قرائت پیام سازمان جوانان و دانشجویان - تشکیلات ایالتی آذربایجان و شعری از رفیق احسان طبری، رفیق ایرالدخت ابراهیمی مسئول زنان دمکرات - تشکیلات ایالتی آذربایجان پشت میز می‌نشاند. وی از مبارزات زنان و شجاعت و دلیری‌شان در زمان حکومت دمکرات آذربایجان و از زندگی شیرزانی چون سریه، دختر شاهشون، فاطمه قهرمانی، کوبک عزیزانه و زیور قهرمانی سخن گفت، که همدوش و همسنگریا مردان فرقه مبارزه کردند و شهید شدند. سپس رفیق کارگر ذوالفقار دو شعر از سروده‌های خود را خواند و بعد رفیق محمد آزادگر مسئول کمیته شهرستان تبریز طی سخنانی از جمله گفت:

«مردم» بر اساس اطمینان و اعتمادی که به رفقا و هواداران و دوستان دارد، از این خبرها استفاده میکند و برای اطمینان به صحت اخبار، جز تکیه به اینکه فرستندگان اخبار و گزارشها مسئولیت خطیر خود را در این زمینه بخوبی درک می‌کنند، امکان دیگری ندارد. ولی متأسفانه تاکنون در چندین مورد معلوم شده که اخبار دریافتی دقیق نبوده است. آن‌ها که «مردم» روزنامه‌ای است مسئول و در میان مردم صاحب نفوذ و اعتبار است، و از آنجا که در شرایط بسیار حساس کنونی اخبار نادقیق ممکن است موجب سوء تفاهم شود و نتایج ناگواری بار آورد و نیز به نفوذ و اعتبار حزب لطمه بزند، از همه رفقای حزب و هواداران دوستان خواهشمندیم که در کسب و تهیه خبر نهایت دقت را مبذول دارند.

## توصیه به رفقای حزبی، هواداران و دوستان در مورد اخباری که برای «مردم» می‌فرستند

«مردم» بر اساس اطمینان و اعتمادی که به رفقا و هواداران و دوستان دارد، از این خبرها استفاده میکند و برای اطمینان به صحت اخبار، جز تکیه به اینکه فرستندگان اخبار و گزارشها مسئولیت خطیر خود را در این زمینه بخوبی درک می‌کنند، امکان دیگری ندارد. ولی متأسفانه تاکنون در چندین مورد معلوم شده که اخبار دریافتی دقیق نبوده است. آن‌ها که «مردم» روزنامه‌ای است مسئول و در میان مردم صاحب نفوذ و اعتبار است، و از آنجا که در شرایط بسیار حساس کنونی اخبار نادقیق ممکن است موجب سوء تفاهم شود و نتایج ناگواری بار آورد و نیز به نفوذ و اعتبار حزب لطمه بزند، از همه رفقای حزب و هواداران دوستان خواهشمندیم که در کسب و تهیه خبر نهایت دقت را مبذول دارند.

پاسگزاریم  
عباس  
۳۰۰۰  
زب پدش  
۵۰۰  
۵۰۰  
فصلنامه ایران  
در قطعه‌ها از جمله  
مهر از عوامل  
برنالیسم آمریکا  
محکوم می‌کنیم  
دانشجویان خط  
سواهییم هر چه  
الشاعری استاد  
امریکا دادند  
کتی در شهر باقی  
آوردیدر خاروند  
واده مجبور به ترک  
ا. او که علم ریاضی  
برای اجتمای  
حزب توده ایران  
از هر فرصت مناسب  
المه استفاده میکرد  
شرایط خفقان پس  
و خندان می‌پذیرد  
۲۷ سال پیش  
الح در میدان  
ری با تفنگ  
نی می‌کنیم. و در  
ن پایتخت گذاشته  
! و آن جنایتکار  
بهد توده‌ای ساعت  
ایرانی با پسر  
با او همراهِ خانواد  
اشت.  
ل بودند، عکس  
آن عیان تر می‌کرد  
انقلاب از کم  
در این  
بسیار اتحاد هم  
خط ضد امپریالیست  
لابنیز فائق آمد  
نظمی شریتمنداری  
ید در جهت  
له‌ها باشد  
موجه به مقام  
ی است که بسط  
تفرقه ندرگانی را  
د انقلابی حزب  
فغانه این عناصر  
دگی خویش را به  
ره می‌کنند و هیچ  
مال مردم مسلمان  
بن هم می‌کنند.  
د و راهشالی‌های  
یا حداقل به مردم  
ار و ضد انقلابیون  
(کیهان)



# پانزدهمین سالگرد انقلاب فلسطین

## گروهی از هواداران سابق سازمان چریکهای فدائی خلق در بابل به حزب توده ایران پیوستند

نامہ گروهی از هواداران سابق سازمان چریکهای فدائی خلق در بابل به کمیته مرکزی حزب توده ایران:

رفقائ کمیته مرکزی!

دستان را از آن سوی کوههای اهنوا را بزرگ می‌نماییم. دوازده پرانتخاب حزب توده ایران - حزب طراز نوین طبقه کارگر ایران - کام نهادیم و با تأسیف و خوشبختی بر کوره راههای گذشته مان نظر می‌افکتیم. تصاف از اینکه سالهای طولانی نبود جوانی رادر بیراهه دواندیم، و خوشبختی از اینکه سرانجام به راه طبقه کارگر، به راه مونیالیسم و به راه انتروانسیونالیسم پروتری کام نهادیم.

گویی پیوند کوره راههای خطا، و سرانجام پیوستن به شاهراه حزب توده ایران، سرنوشت بسیاری از جوانان پرشور سپنمان است.

ما این، سالها به عشق زیارت معبد خورشید مارکسیسم - لنینیسم، سفر کردیم، و سرانجام دریافته که تنها برداشته کوه پرانتخاب حزب توده ایران است که میتوان خورشید مارکسیسم - لنینیسم را زیارت کرد، تایش گربخشش آرا بر وجود خویش پذیرفته شده و درخشش بی‌نظیرش را بر قلب حزب طبقه کارگر ایران نظاره کرد. سالها پیش، زمانی که غریب پرشور چریک، پیده سیاه سکوت را می‌شکافت و شور و اشتیاق آتشنین از رکبهای جوانی خون می‌کید، در سالهایی که خرمنبره را در غیبت «اصل» بازار گرمی داشتند، شنیدائی جوانی رادر سیاهی شب، بر کوره راهها گسترده و به سوی معبد خورشید شتافتیم.

سالی چند گذشت و گذرمان به زندان افتاد. در آنجا نیز بازار گرم «چریک» ما را بسوی خویش کشید. در آنجا با روح کینه و نفرت نسبت به حزب توده ایران تربیت شدیم. خواندیم، فکر کردیم و شک کردیم و سرانجام در آستانه آزادی از زندان، بر کارنامه سالها فداکاری و از خودگذشتگی چریک، مبر باطل زدیم. دریافته آنچه را که سالها «حق» میدانستیم، باطل بود. شک کردیم:

پس آیا میشود آنچه را که تاکنون باطل می‌دانستیم، «حق» باشد؟ ادامه دادیم، خواندیم، فکر کردیم و شک، تا سرانجام به حقیقت دست یافتیم.

دزستان داغ انقلاب، دستهای پر قدرت خلقهای قهرمان ایران، درهای زندان را گشود و ما بدریای خروشان خلق روان شدیم. جوانان بی‌تجربه بودیم، که برای اولین بار انقلاب را به چشم می‌دیدیم.

سرانجام، خطای گذشته ده ساله «چریک» بر همگان روشن شد، و ما دوباره به ایران قدیمی پیوستیم. باره خطای گذشته را کنار نهاده بودیم و با شور و شوق فراوان، برای یافتن به سرچشمه زلال مارکسیسم - لنینیسم میکوشیدیم، پس از ماهها مطالعه به این نتیجه رسیدیم که خط مشی گذشته، برادری و همزیستی قابل وصفی با ما نمیگنجد، و تروتسکیسم دارد، برای ما، رفته رفته این مسئله روشن میشد که ترجمه‌های پوک، اگر چه ادعای مبارزه با خط چریکوار دارند، خود در ماهیت امر نوع برجسته همان خطوط انحرافی هستند.

مسائل کلی ایدئولوژیک از یکسو و سلسله مسائل خاص انقلاب ایران از سوی دیگر، سرعت بین ما و چریکها، مریز میکشید. رفته رفته، خود را در کنار حزب توده ایران احساس کردیم.

در آغاز، با سرکشی لاجوابهای همسایه جدید را پذیرفتیم. پس از مدتی حزب توده ایران بشدت بر ایمان مطرح شد. واقعیت را نمی‌شد انکار کرد. خود واقعیت و انکار آن دو تاست. دیگر نمی‌شد انکار کرد. عطش طلب، بر لیاقت انکار، غلبه کرد. باور نکرده بود، از خود می‌پرسیدیم: آیا واقعا حزب توده ایران، حزب طبقه کارگر ایران است؟ دشوار بود، اما پذیرفتیم. این را سرانجام اعتراف کردیم، راه دیگری نبود. راه دیگری هم نمیتوانست باشد. مگر میشود بسوی مارکسیسم رفت و به حزب نرسیده این را دیگری ما با عصب پرشورمان لمس کردیم که راه دیگری وجود ندارد. همه مخطبه بازی کودکانهای بیش نیستند. اگر واقعا یونیده ایم، اگر به راه طبقه کارگر می‌رویم، اگر برای حقیقت می‌رویم، اینجاست و جز این نیست. تنها در این سنگر میتوان رزمید.

سالها پارچه سیاه سوراخ سوراخ بالای سر خود را آسمان پرستاره می‌دانستیم. آنگاه بزرگ کشیدیم: آسمان باز، باشکوه، و اقی و پرستاره نمایان شد.

سرانجام به راه طبقه کارگر ایران، به راه ارانی، به راه روزه، به راه تجزایی، به راه حزب آمدیم، سرانجام آمدیم. در روزهای آتشنین رفقائی جدید خود را پذیرید.

**ژنده باد مارکسیسم - لنینیسم!**  
**ژنده باد حزب توده ایران -**  
**حزب طراز نوین طبقه کارگر ایران!**

گروهی از هواداران سابق سازمان چریکهای فدائی خلق در بابل

### چرا به مسائل دبیرستانهای خدمات منطقه دزفول رسیدگی نمیشود؟

شورای نمایندگان دبیرستانهای خدمات منطقه دزفول در نامه ای به وزارت آموزش و پرورش، که رونوشت آن به دفتر مردم، ارسال شده است، به دروس حذفی اعتراض کرده اند و پرسیده اند که چرا درس‌هایی که برای رفته‌های هنرستان، اقتصاد، فرهنگ و ادب، علوم انسانی و غیره ... حذف شده اند و بری رفته خدمات باقی مانده است؟

در جای دیگری از این نامه آمده است: «دکتر در کشور ما دبیرستان خدمات وجود ندارد، پس چرا دایرستان کرده اند. واگر وجود داد پس چرا به مسائل آنها رسیدگی نمی‌شود؟»



گوشه‌ای از مراسم پانزدهمین سالگرد انقلاب فلسطین در زمین چمن دانشگاه تهران

و از چارخلاق فلسطین را از امپریالیسم هائی از جنایات آمریکا در ویتمام و مسوینسم اعلام داشت. به وسیله دانشجویان دمکرات به بر نامه یا سرودی از فلسطین معرض تماشا گذارده شده بود. به پایان رسید، اما این روز - پلاکاردها و پرچم فلسطین فراموش نشدنی است. دوازده در زمین چمن را اشغال در تمام مدت برنامه، نمایانگام - نموده بودند.

## بزرگداشت ۳۳ افسر شهید

مراسم بزرگداشت ۳۳ افسر شهید فرقه دمکرات آذربایجان در آستارا برگزار شد. مراسم بزرگداشت افسران روز دهمی ماه دهم در مدرسه حکیم نظامی آستارا برگزار شد. در ابتدای مراسم، سرود حزب توده ایران نواخته شد. سپس شعری از رفیق شهید و کبلی قرائت شد و آنگاه پیام فرقه دمکرات آذربایجان - سازمان حزب توده ایران در آذربایجان خوانده شد.

بعد شش به گلگشت جوانان، خوانده شد و آنگاه پیام کانسون دانش آموزان ایران - آستارا و شعر «ارزش رنجبران جمله به پیش» قرائت گردید. مراسم در میان شمارهای:

- آمریکا، آمریکا مرگد به نیرنگ تو
- خون شهیدان ما می چکد از چنگ تو
- زنده باد جبهه متحد خلق ما
- درود بر کمیته مرکزی حزب توده ایران

به پایان رسید.

## راه پیمائی عراقیهای متقیم مشهد

عراقیهای متقیم مشهد، همراه با گروه دیگری از مردم، دست به راه پیمائی زدند و جسیایات رژیم عراق را محکوم کردند.

## در اردبیل

بر اساس گزارش خبرنگار «مردم»، در اردبیل هنگام بزرگداشت مراسم بزرگداشت افسران شهید در این شهر، گروهی از ضد انقلابیون به دانشکده کشاورزی محل بزرگاری مراسم حمله کردند و با بلندگوهای تحریک کننده دادند.

ما امروز در سرزمین انقلابی و پیروزمند ایران جشن پانزدهمین سالگرد سلحسانه انقلاب فلسطین را برگزار می‌کنیم. امروز پانزدهمین سال آغاز نبرد سلحسانه انقلاب فلسطین است، روزی که اولین گلوله علیه تجاروگران مسیونریست و امپریالیسم عصاب شلیک گردید.

## نوردهی فلسطین

نوردهی فلسطین، با دیدن اوج جمعیت فلسطین پیروز است اسرائیل نابود است.



از شروع مراسم پانزدهمین سالگرد انقلاب فلسطین، دانشجویان کمالات، نمایشگاه سیارو ضد آمریکائی خود را به معروض تماشا گذاشتند

## با هم در جبهه نبرد علیه امپریالیسم امریکا بخاطر تامین پیروزی انقلاب

اگر درست است که امپریالیسم امریکا دشمن اصلی خلق ما و انقلاب ما است، پس باید تمام نیروی مادی و معنوی خود را علیه این دشمن اصلی، برای تسامین پیروزی نهائی انقلاب رهایش خود بسج کنیم و بهیج عنوان کمترین نیروئی از نیروی انقلابی خود را از جبهه نبرد برضد امپریالیسم امریکا خارج نکنیم.

اگر درست است که امپریالیسم امریکانه قط دشمن اصلی خلق ما، بلکه همچین دشمن اصلی تمام خلقهای جهان است، پس باید در جبهه بین المللی نبرد برضد امپریالیسم امریکا فرادگسیریم، همجا، هر جا که می‌توانیم، سهم خود را در نبرد علیه امپریالیسم امریکا ادا کنیم، همجا، هر جا که می‌توانیم از جنبهها و انقلابیهای رهایش ضد امپریالیستی، از جنبهها و انقلابیهای رهایش خلقی دفاع کنیم.

روز شنبه ۱۵ دی، ساعت ۱۴ بعد از ظهر، به مناسبت پانزدهمین سالگرد آغاز انقلاب فلسطین علیه اسرائیل، در زمین چمن دانشگاه تهران مراسم بزرگداشت برگزار شد. مراسم با تلاشی از سوی گروهی از هواداران سابق سازمان چریکهای فدائی خلق فلسطین علیه اسرائیل، در زمین چمن دانشگاه تهران برگزار شد. مراسم با تلاشی از سوی گروهی از هواداران سابق سازمان چریکهای فدائی خلق فلسطین علیه اسرائیل، در زمین چمن دانشگاه تهران برگزار شد.

